

رفیق ارجمندم
 سر از مدتی که فرصتی یافتیم تا با اقتدار از لغویین جواب نامه آندوست گوی را
 بنویسیم هرچند نامه آنان را حجتیم نیافتیم و اکنون ناچاریم با کلام و با یکدیگر در زهدمانه
 یا سخ گوئی کنیم با اسیاست شاد و سر بخشیمان خوش و خرم باشیم و برادر
 عزیز تازه ای بگلجینه دانش خود با خزانه زیر انبار - اکنون اقم و دلایب ما
 از انبیه نساوات مرا بصافیت و دقت بوصف داشته ای بنویسم
 اما درباره صافیت منم با شما همگام که در واقع انبیه درک کرده ام بی غلغله
 گفته ام و اما درباره وقت من صلاح برابر قضاوتش بیشتر است هر چه است
 بی رفتی را که خوشتر است کرده ام به میان نصتتین کنم و آن انبیه هم انبار
 در زمین شکل بود و سخن و ترکیب منظومه مکتوب مانده.

دو ایراد مرا پذیرفته بودی ولی منم تا شناختن یا شیخ شاد در روز دهم
 دو ایراد قانع شده ام. یک رباب تنوع وزن که چون من گفتم در
 موسیقی تنوع نغمات بر اساس هارمونی انجام می پذیرد و بهتر است
 منظوم موسیقی ملی ایرانی است و حال آنکه موسیقی ملی ایرانی هنوز
 از جمله یک صفا می برودن نیامده و اشکال بجز بجز حرکت نوازند
 و منظوم ها موسیقی علمی بود. انتیاده یعنی خورده را فرغ تر بیان کنم
 (I) نظریه من اینست که در یک منظومه واحد اگر هم تنوع وزن را روا
 بنویسم لکن تروایی بنویسم (I) باید از بر حسب میزان دقاعده ای علمی
 کنیم و نظریه من میزان دقاعده اش هم اینست که تنوع وزن بر اساس
 حفظ هم آهنگی و تناسب بین اوزان تنوع انجام پذیرد. مثلاً در نظریه
 جعفر من باین تنوع موافقم و انرا رواست :
 صبح با هر درخشند... انغ

من ایل هستم با کاشا... انغ
 این دو وزن برود و کوتاه و برادر ضرب دار و در یک کلمه با هم تناسب
 ولی باین تنوع مخالفم و انرا روانمیدارم :
 عشق از عشق بین برتر نیست

و پس
 در همه ام برانجه و ایوان دلم خالی دگر (از نسخه اول منظومه صغیر)
 این دو وزن یک کوتاه و یکی بلند ، یکی ضرب دار و یکی کیدار و لذا با هم
 غیر تناسب است. این از بی نظیراً عرضی از بی نظیر و حرکتی شعر.
 حالشای گویند : « آفرین با تنبیه و وزن بخوام - تا نیرودی را عرض کنم وزن
 ضرب دار برابر طباطباق است آور ، وزن که برای طباطباق وزن بگیر.
 در موسیقی هم اینکار را می کنند . « استلال شای این است ، چنین نیست ؟
 ولی من جواب میدهم : در موسیقی تنبیه (یا : تو نوا напова Ночам)
 که انرا « могучесть » (به دلاوری) میانه بر روی قاعده
 توافق و هارمونی انجام می گیرد و دینی نیست ، موسیقی دان نمی تواند
 از چهار چوب اهوانی که انجا می کند بجهد مگر با نغمات واسط و پیوستگی .
 اینکار در شعر کهن نیست و بطور کلی شعر مستوفی و یکی است لذاتنا می توان
 از یک وزن بوزن تناسب دیگر رفت لا غیر ، خواهی گفت : « در اشعار
 روسی این کار نظیر دارد . » تا انجا که بنده رضا طرادریم شورای روسیه قاعده
 تناسب را پذیرفته اند (وزن را مراعات کرده اند اگر نوزده کلمه ای باشد
 ذکر نامه سی نمون می شوم . تازه اگر چنین نمونهای ذکر کنیم من نظر خود را
 به معنیان اصل تنگ (آکیوم) بده معنیان دوق و سلویه یعنی حفظی کنم
 زیرا باین به حال شکل و تکون فنی قطعه شعرای اهلیت بیار دار .

(II) ایراد دوم من که مورد پسندان واقع نشد موضوع تافیر کردن ساره و ده
 بود که گفته با تنبیه ضرب با بن ها و ملفوظ و غیر ملفوظ از بن سرور

گر مثلاً خط خور را لا ینیزه کنیم انظر خواه شد:

Sade ساره
deh ده

انفاً در این حالت آن فرق اصلی که در خط کردن روشن نیست مسلم
می شود. یعنی آنکه ساره صفت ده (de) ختم می شود و ده -
deh (ده) ختم می شود درست همین علت کافی که میگزینند.

قافیه ده چنین است قافیه ساره چنین:

Sade	ساره	ده	deh
Sade	زاره	یه	beh
Bade	داده	یه	meb
Amade	آاره	گه	keh

گاز روشن شده باشد. ممکن است شایسته او کند که ای قرآنیم
خافیه های فزنیکی بر قوروا زیم. این بر ادبیات فارسی سابقه دارد:

هنا سبوی اعقاد را با صفات قافیه کرده است. روح را
آبوه ، داغ را با ذراف ، قصاص را با ایس حتی
بخاز را با قفاس هم سخنان قافیه کرد. من با بر قوراکرون

قافیه فزنیکی مواضع و لا در صورتی که انما بر طبع میزان می شده ای

بندیم و خور ساره دومی و برج درج طایفه نباشد. را آنکه با ده فزاه
روین و خواه قافیه قیودی را با کفیم صفا مواضع را با کفایا با ده

لشوی ما که سستی ، یعنی از روی علم کامل - خواندن سخن فارسی و با
برخوردن تقارن آن ، گرفتن شایسته و در انداختن نایب است

و استخراج قواعد فزون است سندی با هر کار آینه انما بر ارد و چنین
نمایها ، سوره نیسباً بنمایا و نام این شعری خود روی الله آینه ای است

که کارسان در شعور ادب مثالی کار آفرینشها و نیسبلیها درها بعد است.
انزاس نظرسن . اسماست شایسته با این نظر موافق باقیه .

III - رسایب کیزه بیعون ادلی راست است چیزی نگیم . سوره نظره مشا

وصیفی - تقالیه ای در ژانر مسیحتی بود. کیزه بیعون ساره و رای
تایخ در یو بلک و مع رنظ گر زنده آه. ابرازها (حضر و اهد و غیره)

سریع و صوری می شود. نام اینها خوب است ولی این تنها یک طرز
رغز در جمل است. خزانهای ادلی بوقت انعامه استخراج است. با ابعاد

نظرسه ای از یازده کیزه بیعون بجزنج تر که در ان ابرازها تنوع و
اعمال (genius) فنی تر و گسترش کار آنها و

احساس عمیق تر باشد. نمایا در دریم. برای آنکه تنها نگاه ظاهر
زیگی ~~ملاحظ~~ کافی نیست بلکه باید - و کات درون بزرگی و آنا انهای

رغز آن نظر آکنده. اطمینان درم در خطی آسوزنده شعری با ابعاد شادی
عمیق و جامع موفق ظاهر شده .

می بینیم که با اندازه کافی در این گویا گرم. همین است که باید به این روشی تا سر به شما
وقت و فرصتی یافت ولی بعد همت من بسیار سردم که این فرصت را با تمام

و با شایسته در پیوست که با آنکه هر فزاه نیست ولی بران از این اقدام
صحبت کنیم. از دریافت آهشایا بهار و شعوف ظاهم شد و در اول سه هم

که انما این با بزرگیم که آهشایا بهار بزرگی: تنها - حافظه تنگی بزرگم و هده
نگاهی را که با بهار بر ساره اش نوشت خوبیم .

به برخی جمیع سلام صیانه برسانید
آدر شایسته مویح به جمیع سلام برسانید

با درود فراوان - پرنس

Handwritten mark or signature